حق اليقين

في

معرفة أصول الدين

العلامة المحقق الجليل

السيد عبد الله شبر



مؤسسة الأعلمي للمطبوعات

حق اليقين

في

معرفة أصول الدين

للعلامة المحقق الجليل

السيد عبد الله شبر

المتوفى عام ١٢٤٢ هـ

الجزء الاول

منشورات

مؤسسة الأعلمي للمطبوعات

بيروت - لبنان

ص ب : ٧١٢٠

الطبعة الأولى
١٤١٨هـ - ١٩٩٧م

مؤسسة الأعلمي للمطبوعات :
بيروت - شارع المطار - قرب كلية الهندسة .
ملك الاعلمي - ص.ب : ٧١٢٠
الهاتف : ٨٣٣٤٤٧ - ٨٣٣٤٥٣

PUBLISHED BY
Al Alami Library
BEIRUT - LEBANON
P.O. BOX 7120

كتاب الإمامة

على إثبات ذلك أو نفيه والعلم عند الله، نعم قد دلت جملة من الأخبار على أن الله سبحانه قد أخذ من الملائكة ميثاق ولايته وولاية الأوصياء من بعده وان كل ملك ينزل إلى الأرض لأمر يتشرف بخدمة الإمام، وأن جبرائيل بل عزرائيل ما كانا يدخلان بيت النبي ﷺ إلا بإذنه .

١١ ـ هل كان نبينا قبل البعثة متعبداً بشريعة أم لا :

قد وقع الخلاف في أنه ﷺ قبل البعثة هل كان متعبداً بشريعة أم لا، فقيل نعم وقيل بالتوقف واختلف الأولون، فمنهم من قال كان متعبداً بشريعة نوح وقيل بشريعة إبراهيم وقيل بشريعة موسى وقيل بشريعة عيسى وقيل بجميع الشرائع، والحق أنه ﷺ لم يكن متعبداً بشريعة من قبله من الأنبياء وأنهُ ﷺ كان نبياً حين تولده بل حين كان آدم بين الماء والطين ثم صار بعد ذلك رسولاً وأُمر بأن يدعو الناس بعد أربعين سنة ويدل على ذلك وجوه :

الأول : إنه لو عمل بشريعة غيره لكان رعية له فيكون ذلك الغير أفضل منه وهو خلاف ضروري الدين .

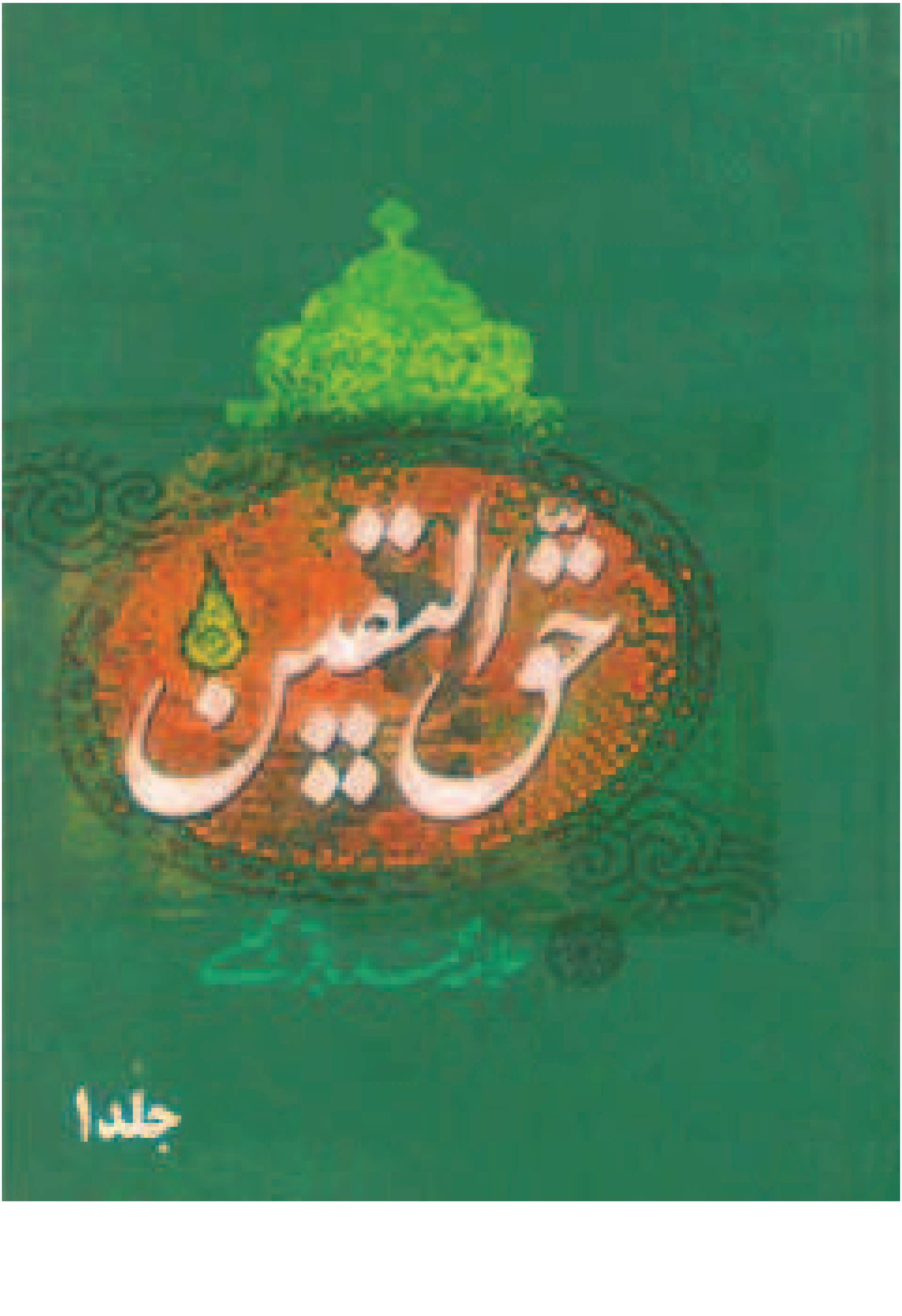
الثاني : إن عمله بشريعة الغير إما ان يكون عن وحي فيلزم نبوته والمطابقة بشرع غيره غير مناف لذلك، وإما أن يكون لا عن وحي بل عن أخذ من علماء تلك الشريعة مع أن من معجزاته أنه لم يقرأ ولم يكتب ولم يعاشر العلماء من أهل الكتاب ولم يرجع إلى عالم .

الثالث : إن أكثر علمائهم وجلهم في ذلك الزمان كانوا فسقة فجرة فكيف يجوز أن يرجع أفضل الخلق إليهم مع أنه لو اتفق لتواتر نقله .

الرابع : إنه ورد في الأخبار الكثيرة أن الأرض لا تخلو من حجة لله على خلقه ظاهراً أو مستوراً، فلو لم يكن ﷺ نبياً وجب عليه اتباع أوصياء الأنبياء قبله ولو فعل لتواتر نقله وللزم كونه ﷺ مفضولاً مع كونه أفضل بالضرورة .

الخامس : إنه ﷺ كان إذا سئل عن شيء لا يجيب فيه قبل نزول الوحي ولو كان متعبداً بشرع غيره لتمسك بكتب السابقين وشرائعهم .

السادس : ما استفاض نقله بين الخاصة والعامة من قوله ﷺ كنت نبياً وآدم بين الماء والطين .


حق الیقین
جلد ۱

حق الیقین

نویسنده:

علامه محمدباقربن محمدتقی مجلسی (ره)

ناشر چاپی:

علمیه اسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بوده‌انـد و هیـچ یک کافر نبوده‌انـد و آزر که کافر بود پدر حضـرت ابراهیم نبود بلکه عموی او بود چون او را تربیت کرده بود او را پـدر میگفت بلکه تاریخ پدرش بود و احادیثی که دلالت بر خلاف این میکند محمول بر تقیه است و عبد اللّه و آمنه هر دو مسـلمان بودنـد و عبـد المطلب از اوصیـاء حضـرت ابراهیم بود و همچنین پـدرانش تا اسـماعیل همه اوصیـاء بودنـد و ابو طالب (ع) پـدر امیر المؤمنین علیه السّـلام بعد از عبد المطلب وصی بود و هرگز بت نپرستیده بود و کافر نبود و لیکن ایمان خود را برای مصلحت از قوم خود مخفی میـداشت که رعایت حضـرت رسول صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم بهتر بتوانـد بکند و اعانت آن جناب بیشتر تواند کرد و وصایا و ودایع و کتب ابراهیم و اسماعیل و سایر انبیاء و اوصیاء نزد او بود و بحضرت رسول در وقت مردن تسلیم کرد و در آن وقت اظهار اسـلام نمود لهـذا در احادیث وارد شـده است که او مثل اصـحاب کهف بود که ایمان را پنهان داشـتند و کفر را ظاهر کردند برای تقیه پس حقتعـالی ثواب ایشان را مضاعف گردانیـد و بر این مضامین احادیث متواتره از اهل بیت وارد شـده است و اسـلام ابو طالب و آباء و اجداد آن حضـرت از ضروریات دین شیعه است و در احادیث معتبره وارد شده است که شیعه ما نیست هر که باسلام ابو طالب قائل نباشد باید حق الیقین، ص: ۳۲ اعتقاد کرد که جدات آن جناب و مادران ائمه همه عفایف و نجیبات مکرمات بوده‌اند و آلوده بتهمتی نبوده‌اند در هنگامی که نطفه ایشان یا آباء ایشان در رحم آنها قرار گرفته مسـلمان بوده‌اند اما لازم نیست که همیشـه مسـلمان بوده باشـند مانند شـهربانویه مادر علی بن الحسین علیه السّلام و مادرهای اکثر ائمه که کنیزان بوده‌اند زیرا که در وقت کفر نطفه ایشان در رحم آنها نبوده بخلاف پـدران و اجداد ایشان چون پیوسـته نطفه‌های کریمه در صـلب ایشان بود باید که هرگز کافر نبوده باشـند و این مضـامین از ادله عقلیه و نقلیه ظـاهر و مـبرهن است امـا اکـثر متفطن و متعرض نشده‌انـد و اللَّه الموفق. (قسم دهم) خلافست که آیـا آن حضـرت بر ملائکه مبعوث بود یـا نه و توقف اولیست امـا از احـادیث بسـیار ظاهر میشود که میثاق ولایت آن جناب و اوصـیاء او را از جمیع ملائکه گرفتنـد و جمیع ملائکه مطیع و منقاد ایشانند و ملائکه از انوار مقدسه ایشان تنزیه و تقدیس و تسبیـح حق تعالی را آموختنـد و هیچ ملکی برای امری بر زمین نمی‌آید مگر آنکه اول بخدمت امام علیه السـلام می‌آید و بعد از آن پی آن کـار میرود و جبرئیل ع بی‌رخصت داخل خانه حضـرت رسول صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم نمیشـد و چون داخل میشـد مانند بنـدگان به ادب بخـدمت او می‌نشـست. (قسم یـازدهم) خلافست که حضـرت رسول صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم پیش از بعثت آیا بشـریعتی عمل میکرد یا نه بعضـی بر آننـد که بشـریعتی متعبـد نبود و بعضـی گفته‌انـد بود و بعضـی توقف کرده‌انـد و فرقه دویم نیز خلاف کرده‌اند بعضـی گفته‌اند بشرع نوح (ع) عمل میکرد و بعضی گفته‌اند بشریعت ابراهیم (ع) و بعضی بشرع موسی (ع) و بعضی بشرع عیسی (ع) و بعضی بهمه شرایع و حق در نزد حقیر آنست که بعد از بعثت آن جناب تعبد به هیچ شرعی غیر شرع خود نمینمود و شـریعت آن جناب ناسـخ جمیع شـرایع بود و لهذا آنچه از آن جناب سؤال میکرد تا وحی نازل نمیشد جواب نمیفرمود و هرگز در هیـچ امر متمسک بکتب سابقه نمیگردیـد و در حکم سـنگسار زناکار که خبر از تورية داد برای اتمام حجت بر یهود و تکذیب قول ایشـان بود و اظهـار علم خود بکتب ایشان و آیاتی که اشـعاری بر متابعت انبیاء دارد محمول بر اصول دین است که متفق علیه جمیع ادیـانست و بر موافقت ایشان در تبلیغ رسالت و تحمل و صبر در امور شاقه است و اما پیش از بعثت مـدلول اخبار و ادله عقلیه بسـیار است که آن جنـاب اهتمـام در عبـادات و تتبع در مکـارم اخلاـق و اجتنـاب از محرمـات و مساوی آداب زیاده از همه کس میفرمود چون تواند که سایر خلق در حداثت سن مکلف بشـرایع باشـند و عبادت حقتعالی کنند و اشرف مخلوقات تا چهل سال مطلقا مکلف بعبـادتی نبوده باشـد و راه دین خود را ندانـد با حق الیقین، ص: ۳۳ آنکه متفق است که آن حضـرت انواع عبـادت میکرد و بیست و پنـج حـج پیش از هجرت پنهـان بجا آورد و آداب حسـنه از تسبیـح و تحمیـد و تسـلیم و ترک محرمات و مکروهات و روزه و انواع عبادات از آن جناب صادر میشـد و نمیتوانـد بود که اینها به متابعت شـریعت دیگران باشـد بچنـدین وجه (وجه اول) آنکه اگر عمل بشـریعت پیغمبر دیگر نمایـد رعیت او خواهـد بود و بایـد که آن پیغمبر افضـل از او باشـد و این خلاـف ضـروریات دین است (وجه دویم) آنکه شـریعت آن پیغمبر را بایـد بدانـد تا بشـرع او عمل نماید و اگر بوحی دانست پس پیغمبر خواهد بود و عمل بشـرع خود

کرده خواهـد بود که موافق شـرع پیغمبر دیگر باشد و اگر بغیر وحی دانست پس بایست از علماء آن ملت اخذ کرده باشد و از جمله معجزات آن جناب آن بود که خط و سواد نداشت و با علماء اهل کتاب معاشـرت نکرد و قصـص انبیاء را بنحوی که در کتب ایشان بود بیـان کرد پس چگونه از ایشـان فرا گرفت و ایضا اکثر علماء اهل کتاب در آن عصـر فاسق و فاجر بودنـد چگونه اعتماد بر گفته ایشان میتوانست کرد (وجه سیم) آنکه در احادیث بسیار وارد شده است که هیچ زمان دنیا خالی از حجت خدا نمیباشد اگر حضرت رسول در ابتـداء تکلیف پیغمبر نبود بـایست یـا وصـی عیسـی یـا وصـی ابراهیم را تتبع نمایـد و بـاو ایمان بیاورد و تابع او گردد پس بـایست این معنی را اکثر اهل مکه بداننـد و نقل کننـد قطع نظر از آنکه لازم می‌آیـد که آن حضـرت مرتبه‌اش پست‌تر از آن وصـی باشـد و افضـلیت آن حضـرت بر سایر خلق ضـروری دین اسـلام است پس گوئیم که پیغمبری آن جناب همیشه بود پیوسـته بوحی و الهام الهی بشـریعت خود عمل مینمود و بعـد از چهل سال رسول شـد و مأمور گردیـد که مردم را بسوی خـدا دعوت نمایـد بچندین وجه (وجه اول) آنکه خـاصه و عـامه از آن جنـاب روایت کرده‌انـد که فرمود من پیغمبر بودم در وقتی که آدم ما بین آب و گل بود احادیث بسـیار وارد شـده است که روح آن جناب را در عالم ارواح بروح انبیاء مبعوث گردانیدند و همه باو ایمان آوردند و ملائکه تسبیـح و تقـدیس الهی را از ارواح مقـدسه او و اهل بیت او آموختنـد (وجه دویم) آنکه امیر المؤمنین علیه السّـلام در خطبه قاصـعیه فرمود که حقتعـالی مقرون گردانیـد به پیغمبر خود در هنگـامی که او را از شـیر بازگرفتنـد یا نزدیک بآن بزرگترین ملکی از ملائکه خود را که دلالـت میکرد او را براه مکـارم افعال و محاسن اخلاق اهل عالم در شب و روز همین است. معنی پیغمبری معلوم شـد که شرایع دین خود را از ملک فرا می‌گرفت (وجه سیم) آنکه در احادیث صحیحه وارد شده است که حق تعالی حضرت ابراهیم را بنده خاص خود گردانید پیش از آنکه او را پیغمبر گرداند و پیغمبر گردانید او را پیش حق الیقین، ص: ۳۴ از آنکه او را رسول گرداند و رسول گردانید پیش از آنکه خلیل گرداند و خلیل گردانید او را پیش از آنکه امام گرداند- و در حدیث صحیح وارد شده است که نبی آنست که در خواب می‌بینـدماننـد خواب ابراهیم و مانند آنچه میدید رسول خدا از اسـباب پیغمبری پیش از آنکه جبرئیل وحی بیـاورد از برای او برسالت پس معلوم شـد که پیغمبری از رسالت بوده (وجه چهارم) در احادیث صـحیحه بسـیار وارد شـده است که رسول خدا و ائمه هدی صـلوات اللَّه علیهم از اول سن تا آخر سن مؤیدند بروح القدس که ایشان را تعلیم و تسدید مینماید و از سهو و خطـا و نسـیان نگـاه میـدارد (وجه پنجم) بنص قرآن و احادیث متواتره معلوم شـده است که حضـرت رسول افضل انبیاء است و هر فضـیلتی و کرامتی که بهر پیغمبری داده‌اند بآن حضـرت زیاده از آن کرامت کرده‌اند چون تواند بود که حضـرت عیسی علیه السّلام در گهواره پیغمبر باشـد و حضـرت یحیی در سن صبی بشـرف نبوت فـایز گردد و حضـرت رسـالت با آن جلالت قـدر تا چهل سال خلعت نبوت نپوشد ایضا در حدیث بسیار وارد شده است که از ائمه صلوات اللَّه علیهم در وقت طفولیت بلکه در هنگام ولادت آثار علم و کمال ظاهر میشود و حضرت قائم علیه السّلام در کودکی در دامان پدر از مسائل مشکله غامضه جواب فرمود و حضرت جواد علیه السّـلام در سن نه سـالگی در سه روز سـی هزار مسـئله غـامضه را بیان شافی نمود چون توانـد بود که حضـرت رسالت از ایشان کمتر باشد (وجه شـشم) خلافست که حقتعالی که آن حضرت را چرا امی نامید اکثر گفته‌اند برای آن بود که خط و سواد نداشت و در اخبار وارد شده است که نسبت بام القری که مکه مشـرفه است داده شده است و در این خلافی نیست که آن حضرت پیش از بعثت تعلیم خط و سواد از کسـی ننموده بود چنانچه نص قرآن بر آن دلالت کرده است و خلاف در اینست که آیا بعد از بعثت میتوانست خوانـد و نوشت یا نه حق آنست که قادر بود بر خواندن و نوشـتن چنانچه بوحی الهی همه چیز را میدانست و بقدرت الهی کارهائی که دیگران از آن عاجز بودند میتوانست اما برای مصلحت خود نمینوشت و وحی را دیگران می‌نوشتند و غالب اوقات دیگران را امر بخواندن نامه‌ها میفرمود و از حضـرت صادق علیه السّـلام منقولست که حضـرت رسول صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نامه را میخواند و نمینوشت و بسـند معتبر منقولست که شخصـی از امام محمد تقی علیه السّلام پرسید که چرا حضرت رسول را امی نامیدند آن جناب فرمود که سنیان چه میگویند عرض کرد میگویند که نمیتوانست چیزی نوشت فرمود که دروغ میگویند لعنت خدا بر ایشان باد و اللَّه

اردو ترجمہ

حق الیقین

جلد اوّل

مصنفہ

علامہ سیّد محمد باقر مجلسی علیہ الرحمۃ

مترجمہ

جناب سیّد بشارت حسین صاحب

ناشر

مجلس علمی اسلامی
(پاکستان)

کے بعد وصی تھے۔ اور کبھی آپ نے بتوں کی پرستش نہیں کی اور نہ کافر تھے۔ لیکن مصلحت کی بنا پر اپنا ایمان اپنی قوم سے پوشیدہ رکھتے تھے تاکہ آنحضرتؐ کی رعایت واعانت بہتر طریقہ سے کرسکیں اور وصیتیں اور تبرکات جناب ابراہیمؑ واسماعیلؑ اور تمام انبیاء واوصیاء کی کتابیں ان کے پاس تھیں اور اپنی وفات کے وقت جناب رسولِ خدا کو سپرد کیں۔ اور اُسی وقت اظہار اسلام کیا۔ لہذا احادیث میں وارد ہوا ہے کہ وہ اصحابِ کہف کے مانند تھے جو اپنے ایمان کو پوشیدہ رکھتے تھے اور تقیہ کی بناء پر کفر کو ظاہر کیا تھا۔ تو خداوندِ عالم نے اُن کے ثواب کو بہت زیادہ کردیا۔ اس بارے میں احادیث متواترہ اہلبیت علیہم السلام سے وارد ہوئی ہیں اور اسلام ابوطالب اور آنحضرتؐ کے آباؤ اجداد کا ایمان ضروریاتِ دینِ شیعہ سے ہے۔ احادیث متواترہ میں وارد ہوا ہے کہ وہ ہمارا شیعہ نہیں جو ابوطالبؑ کے اسلام کا قائل نہیں ہے۔ اُن حضرت کے باپ دادا اور آئمہ علیہم السلام کی مائیں سب عفیفہ، نجیبہ اور مکرمہ تھیں اور کسی برائی سے متہم نہ تھیں۔ جس وقت اُن کا نطفہ یا اُن کے باپ داداؤں کا نطفہ ان کے رحموں میں قرار پایا وہ مسلمان رہی ہیں۔ لیکن لازم نہیں ہے کہ ہمیشہ مسلمان رہی ہوں۔ جیسے شہربانو۔ مادرِ علی بن الحسین علیہما السلام اور اکثر آئمہ کی مائیں جو کنیزیں تھیں کیونکہ حالتِ کفر میں ان کا نطفہ ان کے رحم میں نہ تھا۔ بخلاف اُن کے اجداد کے۔ جب تک ان کا پاک نطفہ اُن کے صلب میں رہا ہے چاہیئے کہ ہرگز کافر نہ رہے ہوں۔ اور یہ بات عقلی ونقلی دلیلوں سے ظاہر و باہر ہے۔ لیکن اکثر اس بارے میں متعرض نہیں ہوتے ہیں واللہ الموفق۔

دسویں قسم ۔ اس بارے میں اختلاف ہے کہ آیا آپ فرشتوں پر مبعوث تھے یا نہیں۔ اس امر میں توقف زیادہ بہتر ہے۔ لیکن بہت سی حدیثوں سے ظاہر ہوتا ہے کہ آنحضرتؐ کی اور آپ کے اوصیا کی ولایت کی میثاق خدا نے تمام فرشتوں سے لی تھی اور تمام فرشتے آپ حضرات کے مطیع و فرمانبردار ہیں۔ فرشتوں نے اُن کے انوارِ مقدسہ سے خدائے تعالیٰ کی تسبیح و تقدیس و تنزیہ سیکھی اور کوئی فرشتہ زمین پر کسی ضرورت سے نہیں آتا۔ مگر یہ کہ پہلے امام علیہ السلام کی خدمت میں آتا ہے۔ اس کے بعد اس کام کے لیے جاتا ہے اور جبرئیل علیہ السلام آنحضرتؐ کی اجازت کے بغیر آپ کے گھر میں داخل نہیں ہوتے تھے۔ اور جب داخل ہوتے تھے تو غلاموں کی طرح ادب سے جنابِ رسولِ خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کی خدمت میں بیٹھتے تھے۔

گیارھویں قسم ۔ اس میں اختلاف ہے کہ جنابِ رسولِ خدا بعثت سے پہلے آیا کسی سابقہ شریعت پر عمل کرتے تھے یا نہیں۔ بعضوں کا اعتقاد یہ ہے کہ کسی شریعت سے الگ نہیں تھے۔ بعض کہتے ہیں کہ تھے اور بعض نے توقف کیا ہے۔ فرقہ دوم میں بھی اختلاف ہے۔ بعض نے کہا ہے کہ حضرت نوحؑ کی شریعت پر عمل کرتے تھے۔ بعض شریعت ابراہیمؑ کہتے ہیں بعض جنابِ موسیٰؑ کی شریعت اور

بعض حضرت عیسیٰؑ کی شریعت پر عمل پیرا ہونا کہتے ہیں اور بعض کہتے ہیں کہ تمام شریعتوں پر عمل کرتے تھے۔ لیکن میرے نزدیک یہ ہے کہ بعثت کے بعد آنحضرتؐ اپنی شرع کے علاوہ کسی دوسرے کی شریعت پر عمل نہیں کرتے تھے۔ اور آنحضرتؐ کی شریعت تمام شریعتوں کی ناسخ تھی لہٰذا آپ سے جس امر کے بارے میں لوگ سوال کرتے تھے۔ جب تک وحی نازل نہیں ہوتی تھی آپ جواب نہ دیتے تھے اور کسی امر میں سابقہ کتابوں سے متمسک نہیں ہوتے تھے اور زنا کار کے بارے میں سنگساری کا حکم جو توریت سے حضرت نے بتایا تھا یہودیوں پر حجت کے لیے تھا اور اُن کے قول (انکار) کو جھٹلانے کی غرض سے تھا اور اُن کی کتابوں پر اپنے علم کا اظہار تھا اور جن آیتوں سے انبیاء کی متابعت کا اظہار ہوتا ہے وہ اصولِ دین میں ہے جو تمام دینوں میں متفق علیہ ہے۔ اور تبلیغ رسالت میں ان کی موافقت اور امور شاقہ میں تحمل وصبر کے بارے میں ہے لیکن بعثت سے پہلے بہت سی دلیلیں ہیں کہ آنحضرتؐ عبادات میں اور مکارم اخلاق میں تتبع اور محرمات سے پرہیز اور برائی کے آداب میں ہر شخص سے زیادہ اہتمام فرماتے تھے۔ کیسے ممکن ہے کہ تمام خلق سن بلوغ میں شرائع میں مکلف ہوتے ہیں۔ اور خدا کی عبادت کرتے ہیں اور جو اشرف مخلوقات ہو چالیس سال تک کسی عبادت کا مطلق مکلف نہ ہو اور اپنے دین کا راستہ نہ جانتا ہو۔ باوجودیکہ اس پر اتفاق ہے کہ آنحضرتؐ طرح طرح سے عبادت کرتے تھے اور ہجرت سے پہلے پوشیدہ طور سے بیس حج بجالائے تھے اور آداب حسنہ مثل تسبیح وتحمید وتسلیم کے اور ترک محرمات ومکروہات اور روزہ اور انواع عبادات آنحضرتؐ سے صادر ہوتے تھے اور نہیں ممکن ہے کہ یہ سب دوسروں کی شریعت کی متابعت میں بجالائے ہوں۔ کئی وجہوں سے ایسا ممکن نہیں ہے۔

پہلی وجہ : اگر دوسرے پیغمبر کی شریعت پر عمل کرتے تو اس کی رعایا میں سے ہوتے۔ پھر اس پیغمبر کو آپ سے افضل ہونا چاہیئے تھا اور یہ ضروریاتِ دین کے خلاف ہے۔

دوسری وجہ : یہ کہ چاہیئے کہ اُس پیغمبر کی شریعت جانتے ہوں تاکہ اُس کی شرع پر عمل کریں۔ اگر وحی کے ذریعہ سے جانا تو پیغمبر ہوئے اور اپنی شریعت پر عمل کیا جو دوسرے پیغمبر کی شریعت کے موافق ہوگی۔ اگر بغیر وحی کے جانا تو چاہیئے کہ اُن کے علما سے اخذ کیا ہو اور آپ کے معجزوں میں سے ایک یہ بھی ہے کہ آپ لکھتے پڑھتے نہ تھے اور علمائے کتاب کے ساتھ رہتے نہ تھے اور انبیاء کے حالات جس طرح ان کی کتابوں میں تھے بیان کیا تو کس طرح اُن سے حاصل کیا۔ ایضاً۔ اُس زمانہ میں اکثر علمائے اہلِ کتاب فاسق وفاجر تھے تو کس طرح اُن کے کہنے پر اعتماد کیا جاسکتا تھا۔

تیسری وجہ : یہ کہ بہت سی حدیثوں میں وارد ہوا ہے کہ دُنیا میں کوئی زمانہ حجتِ خدا سے خالی نہیں ہوتا اگر جنابِ رسولِ خدا تکلیف کی ابتدا میں پیغمبر نہ تھے تو چاہیئے کہ وصیِ عیسیٰؑ یا